

مطالعات اسلامی: فقه و اصول، سال چهل و پنجم، شماره پیاپی ۹۴،
پاییز ۱۳۹۲، ص ۸۵ - ۱۰۴

تحلیل دیدگاه اتفاق افق*

دکتر محمد جواد عنایتی راد
استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
Email: enayati1426@yahoo.com

چکیده

ماه قمری با دیدن ماه آغاز می‌شود. مشهور فقیهان دیدن ماه را در افق ناظر و جمعی دیگر در هر افقی، نشان شروع ماه می‌دانند. یکی از دلایل مشترک هر دو دیدگاه، روایاتی است که در آن‌ها کلمات مطلقمانند رویت، اهل مصر و بلد آخر آمده است. طرفداران اختلاف افق، مطلقات را منصرف به شهرهای همگن در افق و مدافعان اتفاق افق، انصراف را نپذیرفته‌اند. در این جستار پس از نقل و شرح روایات، شواهد فقهی، کلامی و تفسیری بر عدم انصراف ذکر و در نتیجه از نظریه اتحاد افق دفاع شده است.

کلیدواژه‌ها: هلال ماه، افق، انصراف، رویت.

*. تاریخ وصول: ۱۳۸۸/۱۲/۱۰؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۱/۰۷/۰۲.

اهمیت موضوع

بدون تردید تشخیص آغاز و انجام ماه‌های قمری در تعیین مناسبت‌های دینی و تکالیف و سنن و آداب شرعی از قبیل اعیاد فطر، قربان، غدیر، روزه ماه مبارک رمضان و... برای صدها میلیون مسلمان در پنجاه و شش کشور جهان نقش اساسی دارد و روشن است که تشخیص ماه‌ها و روزهای قمری مبتنی بر رویت هلال می‌باشد.

از سوی دیگر اختلاف در رویت هلال پیامدهای ناگواری مانند تفرقه، مشوه‌شدن چهره اسلام در برابر مخالفان، تضعیف باورهای دینی جوانان نسبت به کارآمدی فقه شیعه و... دارد از این رو بازنگری جدی در مسئله رویت هلال و حداقل، تبدیل فتاوی اختلاف افق به احتیاط، از زاویه فقهی بایسته است. در مقاله پیش رو تلاش شده دیدگاه کسانی که معتقد به اختلاف افق هستند و مدعی شده‌اند اطلاق روایات منصرف به رویت ماه در شهر ناظر می‌باشد به چالش کشیده شود.

نگاهی به تاریخچه و زوایای بحث

در مساله رویت هلال، اقوال و آرائی شکل گرفته است

۱- نظریه عدد و نظریه رویت

در قرن ۴ و ۵ هجری این بحث در گرفت که آیا ماه مبارک رمضان همیشه کامل و ۳۰ روزه است یا اینکه بر اساس دیدن ماه بین ۲۹ و ۳۰ روز در نوسان است؟ به طرفداران نظریه اول «اصحاب العدد» و به طرفداران نظریه دوم «اصحاب الرویه» می‌گویند.

شیخ صدوق، حداقل در دورانی از حیات علمی‌اش از اصحاب عدد بوده و در خصال و فقیه از آن دفاع کرده است. (شهید اول، غایه المراد، ۴۹/۱) و نیز شیخ مفید (همان) و کراجکی (الذریعه، ۲۳۶/۵) در آغاز طرفدار این دیدگاه بوده‌اند.

۲- زمان رویت هلال: قبل و بعد از زوال

موضوع بحث این است که اگر روز آخر ماه، هلال پیش از زوال رویت شود، آیا آن روز، روز اول ماه جدید است یا روز آخر ماه قبل؟

گویا سید مرتضی نخستین بار این موضوع را در «المسائل الناصریات» مطرح کرد، ولی اواخر دوران صفویه معرکه آراء بوده است. جمعی از فقها از جمله محقق سبزواری (م ۱۰۹۰)

در ذخیره و کفایه طرفدار اعتبار رویت پیش از زوال بودند و جمعی دیگر مانند وحید بهبهانی (م ۱۲۰۵) طرفدار عدم اعتبار بودند.

۳- رویت هلال با چشم مسلح

بحث رویت هلال با چشم مسلح از مسائل مستحدثه است و در فقه سابقه چندانی ندارد (رویت هلال، ۱/ ۱۰۹)

۴- اشتراط یا عدم اشتراط اتحاد افق

اعتبار و عدم اعتبار قول حاکم و قول بینه و قول هیوی از دیگر مباحثی است که در رویت هلال مطرح است.

یکی از بحث‌انگیزترین موضوعات در بحث «رویت هلال» این است که هر گاه هلال ماه در سرزمینی دیده شود آیا برای سرزمین‌های دور کافی است یا خیر؟ به تعبیر فقهی آیا رویت هلال در افقی برای همه افق‌ها، کفایت می‌کند یا خیر؟ بدون تردید از دیدگاه فقیهان اگر شهرهای نزدیک به هم و افق آنها یکی باشد، رویت هلال در یکی برای دیگری کافی است مانند کوفه و بغداد (تهران و قم) و نیز بیشتر فقیهان رویت هلال در شهرهای شرقی را برای شهرهای غربی کافی می‌دانند.

ولی اگر شهرها اختلاف افق داشته باشند آیا رویت هلال در یکی برای دیگری کفایت می‌کند یا خیر؟ مشهور فقهای امامیه و فقهای شافعیه؛ که از این پس آن‌ها را طرفداران اختلاف افق می‌خوانیم؛ می‌گویند کفایت نمی‌کند ولی جمهور فقهای عامه غیر از شافعیه و جمعی از فقهای برجسته امامیه؛ که از این پس آن‌ها را طرفداران اتحاد افق می‌خوانیم؛ مانند خوئی و بنقل ایشان شیخ طوسی در مبسوط و محدث بحرانی در حدائق، فیض در وافی و نراقی در مستند و صاحب جواهر در جواهر، در مستند العروه و منهاج الصالحین (۱/ ۲۷۹) و گلپایگانی در حاشیه بر عروه الوثقی و وسیله النجاه و میلانی در حاشیه بر عروه الوثقی (عروه الوثقی، ۱۷۴) یکی از دلایل مهم طرفداران اتحاد افق، اطلاق روایات باب است که در جستار پیش رو این دلیل تحلیل و بررسی می‌شود.

اخبار رویت هلال

۱- صحیح هاشم بن حکم عن ابی عبدالله (ع) انه قال فی من صام تسعة و عشرين قال ان كانت له بینة عادله علی اهل مصر انهم صاموا ثلاثین علی رؤیته قضی یوماً. (حرعاملی، وسائل

الشیعه، ۱۰/۲۶۵)

هشام بن حکم از امام صادق (ع) نقل کرده که حضرت درباره کسی که بیست و نه روز از رمضان روزه گرفته فرمود اگر برای او گواه (بینه) عادل است که ساکنان شهری بر اساس دیدن ماه، سی روز روزه گرفته‌اند در این صورت، یک روز را قضا کند.

۲- موثقه سماعه انه سأل ابا عبدالله (ع) عن اليوم فی شهر رمضان یختلف فیه قال اذا اجتمع اهل مصر علی صیامه للرویه فاقضه اذا کان اهل المصر خمسمائة انسان. (حرعاملی، ۱۰/۲۷۸)

سماعه از امام صادق (ع) درباره ماه رمضان می‌گوید که در [شمار روزهای] آن اختلاف می‌شود فرمود اگر ساکنان شهری [هر شهری که باشد] بر روزه آن [یوم‌الشک] به دلیل رویت هلال هماهنگ شدند، روزه آن روز را قضا کن در صورتی که ساکنان شهر پانصد انسان باشد.

واژه «مصر» در این دو روایت اطلاق دارد و شامل شهرهای هم‌افق و مختلف‌الافق، هر دو می‌شود. (ر. ک: خوئی، منهاج الصالحین، ۲/۲۸۳؛ محقق داماد، رویت هلال، ۲/۷۶۸) یکی از علائم اطلاق، نکره بودن واژه مصر است و دلیل دیگر آن، ترک تفصیل است و اگر مقصود امام (ع) شهرهای هم‌افق بود، چنان که مشهور تفسیر نموده‌اند؛ باید آن را مقید می‌فرمود.

به ویژه اینکه موضوع، مورد پرسش عمومی و نیاز مردم بوده است. نکته دیگر اینکه کلمه «مصر» در روایت سماعه گرچه در وسائل به صورت نکره آمده ولی در منبع اصلی که از آن نقل کرده یعنی کتاب «من لایحضره الفقیه»، «المصر» به شکل معرفه ذکر شده است و منظور اهل شهر معین می‌باشد نه هر شهری لذا نمی‌توان به آن استدلال کرد. (ر. ک: هاشمی، ثبوت الشهر برویه الهلال فی بلد آخر، ۳۶) و مرحوم مجلسی اول در متن لوامع صاحبقرانی «المصر» آورده و بر اساس آن چنین ترجمه کرده است: «هرگاه به شهری رسیدید و اهل آن شهر متفقند که ماه را دیده‌ایم...» (۴۳۷/۶-۴۳۶) و به نظر می‌رسد از این جنبه، روایت مجمل است و نمی‌توان به آن استدلال کرد.

۳- خبر عبد الرحمن بن ابی عبدالله قال سالت ابا عبدالله (ع) عن هلال رمضان یغم علینا فی تسع و عشرين من شعبان فقال ولا تصم الا ان تراه فان شهد اهل بلد آخر انهم رأوه فاقضه. (حرعاملی، ۱۰/۲۹۳)

از امام صادق (ع) درباره هلال ماه رمضان می‌گوید که در روز ۲۹ ماه شعبان به علت ابری بودن هوا، دیده نشد سؤال شد حضرت فرمود: آن روز را روزه نگیر مگر ماه را ببینی و اگر اهل شهر دیگری شهادت دادند ماه را دیده‌اند، روزه آن روز را قضا کن.

جمله «شهد اهل بلد اخر» به روشنی دلالت دارد که رویت هلال در شهری برای ساکنان شهرهای دیگر حجت می‌باشد چه در افق همگن باشند یا نباشند. قاسم‌بن محمد جوهری در سلسله سند این روایت از اصحاب امام کاظم (ع) واقفی است ولی از رجال کامل الزیارات و از مشایخ ابن‌ابی عمیر و بزنی و صفوان است (اردبیلی، جامع الرواه، ۲۰/۲) اگر این را برای توثیق کافی بدانیم روایت موثقه می‌شود هرچند خوئی این روایت را صحیح دانسته است. (۲۸۲/۱)

۴- موثقه اسحاق‌بن‌عمار از امام صادق (ع) این خبر از نظر عبارت عین صحیحه پیش است فقط به جای «لاتصم»، «لاتصمه» آمده است و به نظر می‌آید یک روایت باشد که دو راوی آن را نقل کرده‌اند.

۵- صحیحه ابی‌بصیر عن ابی‌عبدالله (ع) انه سئل عن الیوم الذی یقضی من شهر رمضان فقال لاتقضه الا ان یتبث شاهدان عادلان من جمیع اهل الصلاة متی کان رأس الشهر و قال لاتصم ذلک الیوم الذی یقضی الا ان یقضی اهل الامصار فان فعلوا فصمه. (حر عاملی، ۲۹۲/۱۰)

از امام صادق (ع) درباره روزی که از ماه رمضان باید قضا شود [یوم الشک] سؤال شد حضرت در پاسخ فرمود قضا مکن مگر دو شاهد از تمامی نمازگزاران (همه مسلمانان) شهادت دهند چه روزی آغاز ماه بوده است و نیز فرمود آن روز را که قضا می‌شود، روزه بگیر، مگر آنکه مردم دیگر شهرها قضا کنند، اگر چنین کردند آن روز را روزه بگیر؛ و جمله «من جمیع اهل الصلاة» به روشنی دلالت دارد بر این مطلب که آغاز ماه قمری با شهادت دو نفر عادل از اهل هر فرقه اسلامی در هر شهری، چه در افق با هم متحد باشند یا مختلف، اثبات می‌شود. و نیز جمله «لاتصم ذلک الا ان یقضی اهل الامصار» دلالت دارد که ماه قمری نسبت به همه شهرها، یکسان است و به اختلاف افق، مختلف نمی‌شود.

به بیان دیگر، رویت ماه در هر شهری کافی است در اثبات ماه برای شهرهای دیگر. (ر. ک: خوئی، منهاج الصالحین، ۲۸۳/۱)

۶- عن محمد بن عیسی قال کتب الیه ابوعمیر: اخبرنی یا مولای انه ربما اشکل علینا هلال شهر رمضان فلا نراه و نری السماء لیست فیها عله و یفطر الناس و نفطر معهم و یقول قوم من الحساب قبلنا انه یری فی تلک اللیله بعینها بمصر و افریقیة و الاندلس هل یجوز- یا مولای- ما قال الحساب فی هذا الباب حتی یختلف الفرض علی اهل الامصار فیکون صومهم خلاف

صومنا و فطرهم خلاف فطرنا به فوق (ع) لاتصومن الشک افطر لرؤیته و صم لرؤیته. (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۵۹/۴)

ترجمه: ابوعمر برای امام نوشت مولای من مرا خبر ده که گاه برای ما، هلال ماه رمضان مشکل می‌شود و آن را نمی‌بینیم و آسمان را می‌بینیم که در آن مانعی برای دیدن ماه نیست و مردم روزه نمی‌گیرند و ما نیز با ایشان افطار می‌کنیم، گروهی از منجمان، پیش از آن، به ما می‌گویند ماه درست در همین شب، در مصر، آفریقا و اندلس دیده می‌شود مولای من آیا پذیرش آنچه منجمان گفته‌اند جایز است تا در نتیجه، وضع برای ساکنان شهرهای متفاوت، اختلاف داشته، روزه آنان مخالف روزه ما و روزه‌نداشتن آنان نیز مخالف روزه‌نداشتن ما باشد. امام در توقیع خود فرمود: به واسطه شک نمی‌توان روزه گرفت افطارکن به دیدن آن و روزه بگیر به دیدن آن. تعدادی از فقیهان دلالت روایت را در تأیید نظریه اتحاد افق روشن می‌دانند. (محقق داماد، ۷؛ هاشمی، ۳۸) و می‌گویند: امام (ع) حکم روزه و افطار را دائرمدار رویت و عدم رویت هلال در هر شهری دانسته است زیرا سؤال‌کننده مطمئن به عدم وجود هلال در افق منطقه‌اش است ولی سؤال از اتحاد و عدم اتحاد آفاق در رویت هلال می‌کند.

امام (ع) فرمود: اگر علم به رویت هلال داری چه این علم از قول منجمان به دست آید چه از راه دیگر، روزه بگیر یا افطار کن. (محقق داماد، ۷)

بلکه از سخن راوی پیداست که برای آنان اتحاد افق، آشنا و شناخته شده بوده و اختلاف افق برای وی شگفت می‌باشد. (خزعلی، رویه الهلال، ۸۴)، چون اگر طرفدار اختلاف افق بودند جایی برای سؤال از قول منجمان نبود.

گلپایگانی می‌نویسد: شاید این روایت برای این مطلب [اتحاد افق] دلالت کند زیرا راوی درباره گفته منجمان، مبنی بر دیدن هلال در آفریقا و اندلس می‌پرسد و امام (ع) در پاسخ می‌فرماید: باشک نمی‌توان روزه گرفت اما نمی‌فرماید دیدن هلال در سرزمین‌های دور کفایت نمی‌کند. (مجمع المسائل، ۲۴۱/۱)

البته جمعی از صاحب‌نظران این دلالت را نپذیرفته‌اند و گفته‌اند روایت در مقام بیان قانون کلی است که مدار روزه و افطار، رویت ماه است و اعتباری به قول منجمان نیست. (رک:

حسینی تهرانی، رساله حول مسألة روية الهلال، ۱۶۸-۱۶۶؛ منتظری، افق او الآفاق، ۴۹)

۷- روایت علی بن ابی حمزه قال: کنت عند ابی عبدالله (ع) فقال له ابی بصیر: جعلت فداک، اللیلة التي یرجی فیها ما یرجی؟ فقال: «فی لیلة إحدی و عشرين أو ثلاث و عشرين». قال: فإن

لن اقو علی کلتیهما؟ فقال: «ما أیسر لیتین فیما تطلب؟». قال: قلت: فرِّبما رأینا الهلال عندنا و جاءنا من یخبرنا بخلاف ذلك من أرض أخرى؟ فقال: «ما أیسر أربع لیال تطلبها فیها». (حرعاملی، ۱۰/ ۳۵۵)

علی بن ابی حمزه می گوید نزد امام صادق (ع) بودم ابوبصیر به آن حضرت گفت فدایت کردم شبی که در آن [انسان] امیدوار است به [بر آورده شدن] آنچه امید می رود کدام است؟ حضرت فرمود شب بیست و یکم یا بیست و سوم. گفت اگر توان بر [احیا و عبادت] در هر دو نداشتم [کدام را زنده بدارم؟] حضرت در پاسخ فرمود چه آسان است دو شب [عبادت کردن] در راه رسیدن به آنچه درخواست می شود. گفت گاه هست که هلال را ما در شبی می بینیم و کسانی از سرزمین دیگر می آیند و خبر می دهند که در آن سرزمین ماه را در شب دیگر دیده ایم. حضرت فرمود چه آسان است چهارشب [عبادت کردن] در راه رسیدن به آنچه که در آن طلب می شود.

مجلسی اول در لوامع صاحبقرانی درباره سند روایت می گوید «موثق کالصحیح» و نیز بر خلاف کلینی در کافی بعید دانسته که علی بن ابی حمزه مذکور در سند، علی بن ابی حمزه ثمالی باشد. (۵۹۶/۶) البته در سند روایت، قاسم بن محمد جوهری است که در ذیل حدیث شماره ۳ درباره آن بحث کردیم.

دلالت روایت بر مدعا به این بیان است که اگر نظریه اختلاف افق صحیح باشد لزوماً امام (ع) باید بفرماید شب قدر را در ضمن دو شب طلب کن، از این که می فرماید با آمدن خبری مبنی بر رؤیت ماه در شهر دیگری که افق آن مختلف است، شب قدر را در ضمن چهار شب طلب کن، می رساند که شب قدر برای هر دو شهر یکی است و رویت هلال در هر شهری، در ثبوت هلال کافی است. (هاشمی، ۳۹)

به نظر می رسد دلالت روایت، عکس گفته بالا باشد زیرا در صورتی که نظریه اتفاق افق، مورد نظر امام (ع) باشد باید بفرماید «شب قدر را در ضمن یکی از دو شب طلب کن» نه چهار شب، چون فرض این است که ماه در هر جایی دیده شد کافی است. از این که امام (ع) چهار شب را مطرح می فرماید می رساند که نظریه اختلاف افق را پذیرفته و از باب احتیاط می فرماید جستجوی شب قدر در ضمن چهار شب با توجه به آثار زیاد آن، آسان است.

۸- مجموعه روایاتی که می گوید اگر ماه پیش از ظهر دیده شود مربوط به شب قبل است

و آن روز، روز نخست ماه است و جمع زیادی از فقیهان برجسته شیعه مانند سید مرتضی (المسائل الناصریات، ۲۹۱)، ابن جنید (حلی، مختلف الشیعه، ۳/۳۵۸)، سبزواری (ذخیره المعاد، ۵۳۲؛ کفایة الاحکام، ۱/۲۶۰)، اردبیلی (مجمع الفائده و البرهان، ۵/۲۹۸) و فیض کاشانی (مفاتیح الشرایع، ۱/۲۵۷) طبق آن فتوا داده‌اند. به عنوان نمونه در صحیح حماد، امام صادق (ع) می‌فرماید: اذا رأوا الهلال قبل الزوال فهو لليلة الماضية و اذا رأوا بعد الزوال فهو لليلة المستقبله. (حر عاملی، ۱۰/۲۸۰)

روایت بر مدعا این‌گونه دلالت دارد که با توجه به این که رؤیت هلال در روز به ویژه وقت برآمدن خورشید با چشم غیر مسلح دشوار است. (زمانی، هلال، ۲۷) و در زمان صدور روایات، موضوعاً منتفی بوده پس این مربوط به رویت هلال در نقطه دیگری است که هنوز شب است.

۹- مجموعه روایاتی که روزه و افطار را به رویت ماه دانسته است به عنوان نمونه امام صادق (ع) می‌فرماید هنگامی که ماه را دیدید روزه بگیرید و زمانی که آن را دیدید افطار کنید. (طوسی، تهذیب، ۴/۱۶۱؛ دارمی، سنن، ۲/۲، کلینی، کافی، ۴/۷۶)

در هیچ‌یک از این روایات، رؤیت ماه مقید به رؤیت هلال در افق ناظر، نشده است و اگر مراد امام (ع) تقييد بود، بیان می‌فرمود. (رک: محقق داماد، ۷؛ هاشمی، ۲۹)

در بعضی از این روایات چنین آمده: ليس على اهل القبلة الا الروية ليس على المسلمين الا الروية (کلینی، ۴/۷۷)

متعلق رؤیت در این روایت تمام «اهل قبله» و «مسلمین» است نه اهل قبله و مسلمین منطقه ناظر.

اخبار عامه در رویت هلال

۱- حدثنا عبيدالله بن معاذ... حدثنا الأشعث عن الحسن في رجل كان بمصر من الامصار فصام يوم الاثنين و شهد رجلا انهما رأيا الهلال ليلة الاحد فقال لا يقضى ذلك اليوم الرجل و لا اهل مصره الا ان يعلموا ان اهل مصر من امصار المسلمين قد صاموا يوم الاحد فيقضونه. (ابن داود، سنن، ۲/۳۰۰)

حسن درباره شخصی که در شهری از شهرها، روز دوشنبه را روزه گرفته ولی دو مرد شهادت دادند که ماه را شب یکشنبه دیده‌اند گفت قضای آن روز بر آن مرد و بر ساکنان

شهرش لازم نیست مگر بدانند که ساکنان شهری از شهرهای مسلمانان، روز یکشنبه را روزه گرفته‌اند در این صورت آن روز را قضا کنند.

۲- روایت کریب: ان ام الفضل بنت الحارث بعثته الی معاویة بالشام قال قدمت الشام فقضیت حاجتها و استهل علی رمضان و انا بالشام فرایت الهلال لیلۃ الجمعة ثم قدمت المدینة فی آخر الشهر فسألنی عبدالله بن عباس رض ثم ذکر الهلال فقال متى رایتم الهلال؟ فقلت رایتاه لیلۃ الجمعة فقال انت رایته؟ فقلت نعم و راه الناس و صاموا و صام معاویة فقال لکنا رایتاه لیلۃ السبت فلا نزال نصوم حتی نكمل ثلاثین اونراه فقلت اولاتکتفی برؤیة معاویة و صیامه؟ فقال لا هكذا امرنا رسول الله. در سنن ترمذی (۷۶/۳) دنبال حدیث آمده، قال ابو عیسی حدیث ابن عباس حدیث حسن صحیح غریب و العمل علی هذا الحدیث عند اهل العلم ان لكل اهل بلد رؤیتهم. (مسلم، صحیح، ۷۶۵/۲)

ام فضل دختر حارث وی [کریب] را به سوی معاویه به شام گسیل داشت. او می‌گوید به شام رسیدم و کار او را انجام دادم زمان حلول ماه رمضان بر من رسیده بود و ما هلال ماه را در شب جمعه دیدیم سپس در آخر ماه به مدینه بازگشتیم عبدالله بن عباس از من درباره ماه سؤال کرد که چه زمان آن را دیدید؟ به او گفتم در شب جمعه. پرسید آیا خود آن را دیدی؟ گفتم آری و مردم نیز آن را دیدند، مردم روزه گرفتند و معاویه نیز روزه گرفت. گفت لیکن ما آن را در شب شنبه دیدیم بنابراین تا کامل شدن روزهای ماه یا دیدن هلال به روزه ادامه می‌دهیم. از او پرسیدم که آیا به دیدن معاویه و روزه او اکتفا نمی‌کنی؟ پاسخ داد خیر زیرا رسول خدا (ص) این‌گونه به ما امر فرموده‌اند.

گرچه هر دو روایت منقطعه است ولی دلالت روایت نخست در کفایت رؤیت هلال در هر شهری و روایت دوم در عدم کفایت رؤیت هلال در بلد غیر مکلف، روشن است گرچه در روایت دوم این احتمال وجود دارد که عدم پذیرش خبر کریب توسط ابن عباس نه از باب عدم اشتراک افق، بلکه به این دلیل بوده که خبر واحد در رؤیت ماه اعتباری ندارد علاوه بر اینکه خبر کریب با موازین علمی سازگار نیست زیرا هلال ماه در مدینه بهتر نمایان است تا در افق شام چون شام شمالی‌تر از مدینه است. (رک: زمانی، هلال، ۲۳-۲۲)

نکته دیگر این که دلالت این دو روایت به روشنی مؤید عدم صحّت نظریه انصراف اطلاق روایات به بلاد متقارب و متحدالافق می‌باشد زیرا طرفداران مشهور به این علت، اطلاق روایات را منصرف به بلاد متقارب نمودند که اطلاع از شهرهای دور در زمان صدور روایات

به دلیل کندی وسائل ارتباطی امکان‌پذیر نبوده است در حالی که روایت نخست به صراحت می‌گوید «اهل مصر من امصار المسلمین» و روایت دوم اختلاف رؤیت هلال در مدینه و شام را مطرح نموده است. بنابراین نمی‌توان جمله «اهل مصر» در موثقه سماعة و جمله «اهل بلد آخر» را در روایات دیگر فقط به امصار و بلاد متقارب حمل کرد.

دلالت روایات

طرفداران اتحاد افق معتقدند این روایات ظهور اطلاقی در اعتبار این نظریه دارد. (رک: خوئی، ۱۲۲/۱-۱۲۱؛ حکیم، مستمسک العروه، ۴۷۰/۸) و رؤیت هلال در هر یک از آفاق برای همه افق‌ها، کافی است البته میان اینان در لزوم و عدم لزوم اشتراک آفاق در شب اختلاف است. طرفداران اختلاف افق، اطلاق روایات را منصرف به شهرهای نزدیک و هم‌افق دانستند. (رک: علامه حلی، تذکره، ۲۶۷/۱) زیرا وسائل حمل و نقل و اطلاع رسانی در زمان صدور روایات کند و ضعیف بوده است. (رک: سبجانی، اشتراط وحده الافق، ۲۲)

نقد ادعای انصراف

- ۱- ادعای انصراف صحیح نیست زیرا واژه «اهل مصر» یا «بلد آخر» شامل هر شهری می‌شود. (رک: مدنی، کفایة رویة الهلال فی البلاد البعیده، ۶)
حکیم می‌نویسد: این ادعا که رؤیت به شهرهای نزدیک انصراف دارد، روشن نیست. (مستمسک العروه، ۴۷۰/۸)
- ۲- بر فرض وجود انصراف، انصراف بدوی^۱ است و انصراف بدوی اعتباری ندارد. (مدنی، ۶) و در صورت شک در انصراف، اصل عدم انصراف است.
- ۳- در موثقه علی بن ابی حمزه (حر عاملی، ۳۵۵/۱۰) و نیز روایت کریب (صحیح مسلم، ۷۶۵/۲) به صراحت از شهرهایی که اختلاف افق دارد، سؤال می‌شود در موثقه می‌گوید: «فریما راینا الهلال عندنا و جاءنا من یخبرنا بخلاف ذلک من ارض اخری».

۱- متاخرین اطلاق مطلق را ناشی از مقدمات حکمت می‌دانند و می‌گویند انصراف مطلق به بعضی از مصادیق مانع از انعقاد اطلاق در لفظ مطلق می‌شود مانند انصراف مسح در آیه وضو به مسح با کف دست و گویند اگر انصراف ظهوری (ناشی از ظهور لفظ در مقید) باشد حجت است یعنی خود لفظ به خاطر کثرت استعمال و اراده مقید، ظهور در مقید پیدا کند اما اگر انصراف بدوی باشد یعنی انصراف ناشی از لفظ نباشد بلکه ناشی از عامل خارجی مانند غلبه وجودی فرد مورد انصراف باشد حجت نیست مانند انصراف ماء در عراق به آب دجله و فرات (مظفر، اصول فقه ۱/ ۲۴۲-۲۴۲)

با این‌گونه روایات چگونه «بلد آخر» یا «اهل مصر» فقط حمل بر شهرهای متقارب می‌گردد؟

۴- اگر مراد امام (ع) از «بلد آخر» و «اهل مصر» شهرهای نزدیک باشد با توجه به اینکه اختلاف رویت هلال در شهرهای گوناگون در زمان معصوم (ع) مطرح بوده، حضرت مقید به شهرهای نزدیک می‌کردند والا عدم بیان لازم می‌آید که از تاخیر بیان از وقت حاجت قبیح‌تر است.

۵- مدعی گوید چون وسائل حمل و نقل و اطلاع‌رسانی، کند بوده و امکان اطلاع‌رسانی رویت هلال در ظرف سه یا چهار روز در شهرهای دور نبوده لذا «بلد آخر» حمل بر شهرهای نزدیک که در افق همگن است، می‌شود در حالی که گاه اثر رویت هلال در شهری که اختلاف افق دارد با شهر دیگر در آخر ماه ظاهر می‌گردد مثلاً در آغاز ماهی که سی‌روزه است در شهری بوده که مثلاً شب جمعه اول ماه بود، سپس به شهر دیگری مسافرت می‌کند که مثلاً شب یکشنبه اول ماه شده، در این صورت از اول ماه در شهری که بوده خبر می‌دهد، اگر طرفدار نظریه اتحاد افق باشیم روز یکشنبه چهار هفته بعد، لزوماً روز عید است در صورتی که طبق نظریه اختلاف افق روز سه‌شنبه چهار هفته بعد، روز عید می‌شود.

و همچنین گاه اثر در قضای روزه آشکار می‌گردد. در دوران خلافت امام علی (ع) مردم پس از بیست و هشت روز روزه، هلال عید فطر را مشاهده کردند امام (ع) به منادی دستور داد به مردم اعلام کند که ماه رمضان بیست و نه روزه است و یک روز قضا بگیرند. (طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۵۸/۴)

۶- بعضی از طرفداران انصراف، رویت هلال با چشم مسلح را قبول دارند، در حالی که انصراف رویت، به چشم غیر مسلح در زمان معصوم (ع) اقوی از انصراف «بلد آخر» به بلد متقارب می‌باشد زیرا رویت با چشم مسلح در زمان معصوم (ع) به طور کلی منتفی بوده است. در کنار این نکات در نقد انصراف، شواهد و قرائن دیگری در تائید اطلاق می‌توان ذکر کرد که بعضی از آنها کلامی و بعضی تفسیری و بعضی اصولی است و پیش از شرح آنها، مقدمه زیر بایسته است.

همه داده‌ها و اجزای دین به مثابه یک مجموعه نظام‌وار، با هم رابطه مستقیمی دارند. احکام و مبانی دین در حوزه عقائد و اخلاق و فقه، منظومه بهم پیوسته‌ای است که بر اساس آن مبانی و اصول و احکام دین تفسیر می‌گردد و چالش‌ها و تعارض‌های درون‌دینی و برون‌دینی حل

می‌شود و بر پایه این سازگاری است که گفته‌اند «القرآن یفسر بعضه». (بهائی، مشرق الشمسین، ۳۹۳؛ مجلسی، بحار الانوار، ۳۵۲/۲۹؛ همان، ۲۷۸/۵۴؛ فیض، الصافی، ۷۵/۱؛ طباطبائی، المیزان، ۳۶/۳ و ۳۸ و ۴۳ و ۵۷؛ قرطبی، احکام القرآن، ۳۵۳/۱۳؛ ابن کثیر، ۲۵۷/۳) و سنت نیز به منزله کلام واحد است و یفسر بعضه بعضها (نجفی، جواهر الکلام، ۶۷/۲۶؛ میرزای قمی، جامع الشتات، ۵۰/۲؛ المبسوط، ۱۱۰/۱۲؛ شوکانی، نیل الاوطار، ۹۷/۶؛ ابن حجر، فتح الباری، ۱۳۴/۲، ۳۱۴/۴، ۶۴/۵، ۳۷۱/۶؛ مناوی، فیض القدير، ۹۵/۱؛ قرطبی ۳۵۳/۱۳)

و این ویژگی است که درون‌مایه اسلام را استوار، پایدار و جاوید و نمای آن را زیبا و جذاب نموده است و بدون در نظر گرفتن این ویژگی است که از دل آن مذاهب افراطی و تفکرهای غلط مانند وهابیت و نظام طالبان سر بر می‌آورد و پاره‌ایی از اشکالات برون‌دینی مانند عدم سازگاری حقوق بشر و دین، لاینحل باقی می‌ماند.

بنابراین گرچه بعضی از شواهد زیر غیر فقهی است اما می‌تواند در برآیند استنباط فقهی تاثیرگذار باشد.

۱- فلسفه میقات شمرده شدن ماه چیست؟ مفسران در ذیل آیه «یسئلونک عن الالهة» در دلیل آن گفته‌اند ماه، میقات زمانی شمرده شده زیرا تنظیم امور دنیوی و اخروی نیازمند یک تراز زمانی است و ماه تراز زمانی معتبر و همه‌کس فهم در همه‌جا می‌باشد از این رو ماه تراز روزه، حج، عده زن‌ها، و ایام حیض و مدت حمل و رضاع و پرداخت دیون و زکاة و فطره و اجارات و اثمان و مدت در عقود و ... است.

شیخ طوسی در تفسیر آیه می‌نویسد:

یسئلونک عن احوال الالهة فی زیادتها و نقصانها و وجد الحکمة فی ذلک قل هی مواقیت للناس ای معالم وقت بها الناس مزارعهم و متاجرهم و محال دیونهم و صومهم و عدد نسائهم و غیر ذلک و معالم للحج عرف بها وقته. (جوامع الجامع، ۱۰۷/۱ و نیز رک: طوسی، تبیان، ۱۴۱/۲، طبرسی، مجمع البیان، ۲۸۴/۲، رازی، روض الجنان، ۶۵/۳؛ راوندی، فقه القرآن، ۱۸۸/۱؛ طباطبائی، المیزان، ۵۶/۲؛ زمحشری، کشف، ۲۳۴/۱؛ فخر رازی، تفسیر کبیر، ۲۸۳/۲)

آیا می‌توان در قرارداد تجاری الکترونیکی که دو تاجر دائم السفر در دو شهری که اختلاف افق دارند به عنوان اول ماه بسته‌اند و در اول ماه جنس مورد قرارداد، نوسان قیمت زیادی داشته است ضرر را به اعتبار اینکه در افق یکی روز اول ماه مثلا شنبه و در افق دیگری یکشنبه است متوجه یکی از متبایعین دانست؟

آیا می‌توان زمان عقد یا طلاق که در اول ماه محقق شده و زوجین هر کدام در شهری هستند که یکی دو روز اختلاف افق دارند در دو روز دانست؟

اینها نمونه‌هایی از لوازم نظریه اختلاف افق است که آن‌را غیر قابل دفاع می‌سازد. به دیگر سخن دلائلی که برای میقات شمرده شدن ماه ذکر شده، امور ثابت و عینی است و این با نظریه اتحاد افق که از ثبات برخوردار است همخوان است و نیز در آیه شریفه خداوند هلال را از آن رو که هلال است زمان سنخ معرفی نموده بدون اینکه به دیده شدن آن مقید کرده باشد و ابتدا و انتهای ماه از امور تکوینی است و تعبد در آن راه ندارد و این امر تکوینی طبق قواعد علم هیئت عبارت است از خارج شدن ماه از تحت شعاع خورشید و ظهور و بروز آن در افق. (سبزواری، مهذب الاحکام، ۲۸۳/۱۰)

۲- ادعیه نماز عید فطر و قربان

خوئی در تثبیت نظریه خود در اتحاد افق به این جمله از دعا و خصوصاً تکبیرهای نماز عید فطر و قربان استناد می‌کند «اسألک فی هذا الیوم الذی جعلته للمسلمین عیداً» و می‌فرماید مشاراًلیه «هذا» یک روز حقیقی و معینی است که خدا برای همه مسلمانان در همه نقاط عید قرار داده است. در ادامه می‌نویسد: مشاراًلیه «هذا الیوم» در کلام امام (ع) ظاهراً روز معین خاصی است که خداوند آن را عید مسلمانان قرار داده نه این که طبق نظریه اختلاف افق، مشارالیه آن هر روزی باشد که عید فطر یا قربان بر آن منطبق باشد. این از یک سو و از سوی دیگر خداوند این روز را برای همه مسلمانان عید قرار داده نه خصوص ساکنان شهری که در آن نماز عید برپا می‌شود. با توجه به این دو نکته نتیجه گرفته می‌شود که روز عید، یک روز است برای همه ساکنان مناطق و شهرها با اختلاف افق آنان. (منهاج الصالحین ۲۸۵/۱-۲۸۴) شاگرد ایشان که در نقد نظریه استادش رساله مفصلی نوشته، آورده است عید فطر و قربان شعار واحد مسلمانان است. (حسینی تهرانی، ۱۱۳) و روشن است که تحقق شعار واحد و شکوه و عظمت عید، طبق نظریه اتحاد افق بیشتر و پرفروغ‌تر است. حسینی تهرانی که گویا فتوای خوئی را عامل اختلاف و دودستگی در عید فطر ۱۳۹۶ می‌داند در نامه‌ایی خطاب به ایشان می‌نویسد: عید فطر امسال معرکه عجیبی در همه نواحی و باعث اختلاف شدید و ترک جماعات و سقوط ابهت و عظمت عید و مایه بروز نفاق و ظهور عوامل و ایادی شیطان بود.

سپس طی سه نامه، نظریه ایشان را نقد و از ایشان می‌خواهد از این نظر عدول یا حداقل

احتیاط کند. (رک: مختاری، رویت هلال، ۴۳)

لکن از حسینی باید سؤال کرد که اولاً این اختلاف و دودستگی پیوسته وجود داشته و در میان طرفداران نظریه اختلاف بیشتر بوده است و ثانیاً اگر ابهت و عظمت عید و دیگر مواردی که نوشتند، معیار است آیا این مشکلات با نظریه اتحاد افق برطرف می‌شود یا اختلاف افق؟ روشن است که شکوه عید فطر و قربان، در سایه عملی کردن نظریه اتحاد افق، بیشتر و پرفروغ‌تر است.

۳- شب قدر، شبی معین برای تمامی ساکنان زمین

در آیه شریفه می‌فرماید شب قدر بهتر از هزار شب و در آن شب ملائکه و روح به اذن الهی فرود می‌آیند.

خوئی می‌نویسد: شب قدر یک شب معین و مشخص برای تمامی ساکنان زمین با لحاظ اختلاف شهرها در افق است زیرا قرآن در یک شب نازل شده و آن شب قدر است که بهتر از هزار ماه و در آن هر امر حکیمی، توزیع شده است و روشن است که توزیع هر امر حکیمی اختصاص به مکانی خاص از اماکن زمین ندارد بلکه همه اماکن زمین را شامل می‌شود. این از یک سو و از سوی دیگر در تعدادی از روایات آمده که در شب قدر مرگ‌ها و مصائب و ارزاق نوشته می‌شود و در آن هر امر حکیمی توزیع می‌گردد و روشن است که نوشتن رزق‌ها و مرگ‌ها و مصائب در این شب برای تمامی اهل عالم است نه ساکنان مکان خاصی. نتیجه این که در پرتو این دو نکته شب قدر، یک شب است برای همه ساکنان زمین نه این که برای هر مکانی شب خاصی باشد. (منهاج الصالحین، ۲۸۵/۱)

بعضی در پاسخ خوئی گفته‌اند مراد از شب، شب شخصی و معینی نیست بلکه مراد شب کلی است که بیست و چهار ساعت است؛ چه برحسب گردش زمین به دور خورشید یا عکس آن؛ طرفی که رو به خورشید است روز و طرف دیگر شب است و چون در بیست و چهار ساعت یک دور می‌چرخد پس در هر گردش بیست و چهار ساعت شب است. (رک: حسینی تهرانی، ۷۵؛ طباطبائی، ۳۹۸/۱)

در نقد این پاسخ می‌توان گفت اولاً: این تفسیر خلاف فهم عرف از شب است.

ثانیاً: در اکثر مواردی که شب و روز در قرآن آمده، شب و روز شخصی و معین است به عنوان نمونه: اتموا الصیام الی اللیل (بقره: ۱۸۷) اقم الصلاة لذلک الشمس الی غسق اللیل (اسرار: ۷۸)

ثالثاً: در اثر گردش زمین، همواره یک طرف زمین شب و طرف دیگر روز است و شب کلی، منحصر در بیست و چهار ساعت نیست.

رابعاً: در روایتی ابی جعفر (ع) می‌فرماید در شب قدر ملائکه دور ما طواف می‌کنند. (بصائر الدرجات، ۲۲۱) طبق این روایت، شب قدر شخصی است و مدار آن وجود امام (ع) است لذا مرحوم خواجه‌نوی با این که طرفدار نظریه اختلاف افق است و شب قدر را به تعدد شهرها متعدد می‌داند ولی می‌گوید نزول ملائکه بر امام در یکی از این شب‌ها است. (تعیین لیلۃ القدر، ۷) در نقد سخن وی می‌توان گفت موضوع نزول ملائکه و طواف دور امام، در زمان شب قدر است، و اگر شب قدر متعدد باشد باید نزول هم متعدد باشد در حالی که می‌گوید نزول یکبار است.

۴- رفع مشکل محدوده افق

بدون تردید معصوم (ع) در مقام تفسیر قانون باید حدود و ثغور آن را به وضوح بیان کند. یکی از مشکلات نظریه اختلاف افق عدم تعیین محدوده افق است. اگر مقصود امام (ع) رؤیت اهل بلد باشد چرا حدود اعتبار آن را تعیین نفرموده با اینکه در مقام بیان بوده است. توضیح بیشتر:

برخی از فقهای شافعی گفته‌اند:

ملاک در اتحاد و اختلاف آفاق مسافت قصر (چهارفرسخ) است. برخی دیگر گفته‌اند: معیار آن بیست و چهار فرسخ است: آن‌ها که داخل این محدوده هستند مشترک‌الافق و افرادی که بیرون هستند با آن‌ها مشترک نیستند.

از فقهای امامیه شیخ طوسی در مبسوط گفته است:

هرگاه هلال، در شهر نه بلکه در خارج شهر دیده شود، در صورتی عمل به آن واجب است که شهرهایی که در آن‌ها هلال دیده شده است به هم نزدیک باشند؛ مانند بغداد، واسط و کوفه، تکریت و موصل، نه مثل بغداد و خراسان یا بغداد و مصر که در این صورت دارای یک حکم نخواهند بود. (المبسوط، ۲۶۸/۱)

محقق حلی در شرایع و علامه در تذکره این قول را پذیرفته‌اند و صاحب عروه بر طبق آن فتوا داده و به این ترتیب این قول مشهور گردیده است. (رک: خوئی، منهاج الصالحین، ۸)

آقای صدر، اختلاف آفاق را اجمالاً صحیح دانسته و چنین استدلال کرده که هر منطقه افق ویژه خود را داراست، و منظور از یک نقطه، یک شهر نیست، بلکه شهرهای فراوان یک منطقه بزرگ چون عراق و مصر را شامل است و شهرهای غربی‌تر را نیز در بر می‌گیرد بر خلاف شهرهای شرقی که نمی‌توانند داخل باشند. از این رو آفاق آن‌ها جدا و مختلف می‌شود. (ماوراء الفقه، ۲/ ۱۴۲)

حسینی تهرانی ملاک و معیار آن را بین یک لحظه تا بعد هشت درجه برابر با نیم ساعت (سی دقیقه زمانی) دانسته و زیاده‌تر از آن داخل در اختلاف آفاق است که حکم این شهر بر آن مترتب نیست. (رساله حول مسأله رؤیة الهلال، ۴۵)

لیکن اولاً: سخن شافعیّه هیچ دلیل عرفی، شرعی و علمی ندارد و افق را با مسافت قصر مقایسه کردن یک قیاس باطل است، و بی اساس‌تر از آن، بیست و چهار فرسخ را معیار قرار دادن است.

ثانیاً: هشت درجه بعد (سی و دو دقیقه) بر کدام پایه و اساس ملاک اتحاد آفاق قرار می‌گیرد؟ نه عرفی است، نه شرعی و نه علمی، چرا مثلاً پنج یا شش درجه نباشد؟ ثالثاً: سخن آقای صدر که تقریباً با شیخ طوسی و پیروان او و مشهور هماهنگ است گرچه فی‌الجمله صحیح است، ولی محدوده افق رامعین نکرده لذا نمی‌تواند یک ملاک کامل و جامع باشد.

۵- اعلان آغاز ماه از نشانه‌های قدرت حکومت‌ها بوده و پیوسته خلفاً و حاکمان آن را عهده‌دار بوده‌اند و در میان شیعه جمع زیادی از فقیهان، حکم حاکم مشروع را در اعلان هلال، حجت می‌دانند. (شهید اول، الدرر السریعة، ۱/ ۲۸۶)، بلکه تعدادی از فقها از قبیل علامه بحر العلوم و صاحب جواهر (۳۲/۱۹) حکم حاکم عامه را در رؤیت ذی حجة در عربستان حجت می‌دانند آقای فاضل در پاسخ سؤالی مبنی بر اینکه اگر از سوی حاکم عامه اول ماه رمضان اعلام شود، برای کسانی که در آن بلاد هستند و تقیه‌ای هم در کار نیست و برای خود فرد هم یقین به اول ماه نیست آیا تبعیت لازم است؟ نوشته‌اند بله در این موارد مطلقاً تبعیت صحیح و لازم است. (مناسک حج، ۵۹۶)

در این زمینه روایات گوناگونی از امامان معصوم (ع) رسیده است به عنوان نمونه عیسی‌بن منصور گفت در یوم الشک خدمت حضرت صادق (ع) بودم. امام به غلامش فرمود: غلام، برو ببین سلطان روزه گرفته است یا نه؟ غلام رفت و برگشت و گفت سلطان روزه نگرفته است،

امام غذا طلب کرد و با هم تناول کردیم. (صدوق، من لایحضره الفقیه، ۱۲۷/۲؛ حر عاملی، ۱۰/۱۳۱) صرف نظر از تقیه‌ای بودن یا تقیه‌ای نبودن این نوع روایات، مبین این دیدگاه‌اند که رویت هلال از شئون حکومت‌ها بوده است.

شیخ طوسی در تهذیب نقل کرده است که در دوران خلافت امیرالمؤمنین (ع) مردم پس از بیست و هشت روز روزه، هلال عید فطر را مشاهده کردند. امام (ع) به منادی دستور داد به مردم اعلام کند که ماه رمضان بیست و نه روزه است و یک روز روزه قضا بگیرند. (تهذیب الاحکام، ۱۵۸/۴؛ فیض، الوافی ۱۱/۱۳۲)

از دستور حضرت روشن می‌شود که مسأله هلال، یک امر حکومتی است. و روشن است که حکم حاکم به رویت هلال در گستره حکومتش (اعم از شهرهای متحدالافق و مختلفالافق) می‌باشد چنانچه امروز نیز چنین است و این دیدگاه، با تئوری اتحاد افق تناسب بیشتری دارد.

۶- تناسب با ارتکاز عقلا

مرحوم ابوتراب خوانساری در تأیید نظریه اتفاق افق می‌نویسد این نظریه با ضبط [تاریخ] و عدم تشویش در محاسبات مناسب‌تر و با حکمت هماهنگ‌تر است از این رو مناسب است که از نظر عرف و شرع معتبر باشد. (سبیل الرشاد، ۱۱۲)

خوئی نیز در تحکیم مبانی وحدت افق، با تکیه بر ارتکاز عقلا می‌فرماید نظریه وحدت افق برای مردم دلنشین و با مرتکزات آنان همانگی بیشتری دارد.

در نوشته‌ای که به تأیید ایشان رسیده، آمده است: قول وحدت مبدأ محاسبه ماه‌ها و تاریخ آن‌ها مطابق با مرتکزات عقلایی و مناسب با ذوق وحدت مبدأ تاریخ برای تمامی ساکنان زمین است و اختلاف [افق] و تقدم و تأخر در حساب ایام، امری بر خلاف طبیعت آنان است. (رک: حسینی تهرانی، ۱۱۳؛ هاشمی، ۴۵)

۷- روایاتی که ماه رمضان را بیست و نه یا سی روز تعیین کرده است

روایات گوناگون و صحیحی است که ماه رمضان را بین بیست و نه تا سی روز بیان کرده است به عنوان نمونه در موثقه سماعه می‌فرماید: قد یكون شهر رمضان تسعة و عشرين یوما و یكون ثلاثین یوما یصیبه ما یصیب الشهور من النقصان و التمام.

گاهی ماه رمضان بیست و نه روز و گاهی سی روز است. ماه رمضان به مانند دیگر ماه‌ها گاهی ناقص و گاهی تمام است. (شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ۱۵۶/۴، الاستبصار، ۲/۶۳)

مرحوم ابوتراب خوانساری می‌نویسد:

از آنچه دلالت بر عدم لزوم اشتراک افق در رؤیت هلال می‌کند ورود نصوص متواتر و اجماع بلکه ضرورت است بر اینکه ماه رمضان یا سی روز یا بیست و نه روز است زیرا طبق گفته مشهور در لزوم اشتراک در آفاق لازم می‌آید که ماه رمضان یا سی و یک روز یا بیست و هشت روز شود درباره کسی که هلال ماه رمضان را در شهرش دیده سپس به شهر دیگری که مخالف با آن شهر است مسافرت می‌کند در این صورت با سفر از این شهر به شهر دیگر حکم درباره او عوض می‌شود. (سبیل الرشاد، ۱۱۳) و این بر خلاف روایات مذکور است.

در نقد این دیدگاه می‌توان گفت روایات بیست و نه یا سی روزه بودن رمضان مربوط به افراد مقیم و منصرف به آن‌هاست چنان‌که مطلقاً آیات مواقیت نماز و اخبار و روایات آن منصرف به مکلفان ساکن در نواحی آباد در نقاط معتدل زمین است. (حسینی تهرانی، ۱۶۸)

نتیجه‌گیری

نه روایت ذکر کردیم که اطلاق هفت عدد از آن‌ها به اثبات نظریه اتحاد افق کمک می‌کرد. فقیهان مدافع اختلاف افق، اطلاق این روایات را منصرف به شهر و شهرهای نزدیک ناظر دانسته‌اند و ما شش دلیل و هفت موید بر عدم صحت انصراف آوردیم و در نهایت دیدگاه اتحاد افق را بر گزیدیم.

منابع

- ابن کثیر، إسماعیل بن کثیر، *تفسیر ابن کثیر*، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- اشتهاردی، علی‌پناه، *فتاویٰ ابن الجنید*، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۶ق.
- ابی داود، سلیمان بن اشعث، *سنن ابی داود*، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۰ق.
- ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن الترمذی*، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۳ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، موسسه آل‌البیت (ع) لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۴ق.
- حکیم، سید محسن، *مستمسک العروه الوثقی*، مکتبه المرعشی، قم، ۱۴۰۴ق.
- خزعلی، ابوالقاسم، *حول رویه الهلال*، در مجموعه رویت هلال، گردآورنده رضا مختاری و محمد رضا نعمتی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵
- خمینی، روح‌الله، *تهذیب الاصول*، انتشارات دارالفکر، قم.
- خوئی، سید ابوالقاسم، *محاضرات فی اصول الفقه*، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۹ق.

- _____، *منهاج الصالحین*، مهر، قم، ۱۴۱۰ ق.
- دارمی، عبد الله بن الرحمن الدارمی، *سنن الدارمی*، مطبقة الحديثه، دمشق، ۱۳۴۹.
- رازی، فخرالدين، *تفسير الكبير*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۵ ق.
- زمانی قمشه‌ای، علی، *هلال*، در مجموعه رویت هلال گردآورنده رضا مختاری و محمد رضا نعمتی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵.
- سبحانی، جعفر، *اشتراط وحده الاق*، در مجموعه رویت هلال گردآورنده رضا مختاری و محمد رضا نعمتی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵.
- سبزواری، عبد الاعلی، *مهذب الاحکام*، دفتر سبزواری، نجف، ۱۴۱۶ ق.
- سید مرتضی، *الناصریات*، رابطه الثقافه والعلاقات الاسلامیه، تهران، ۱۴۱۷ ق.
- صفار، محمدبن حسن، *بصائر الدرجات*، منشورات اعلمی، تهران، ۱۴۰۴ ق.
- طباطبائی، محمد حسین، *المیزان*، موسسه النشر الاسلامی، قم.
- طوسی، محمدبن حسن، *التبیان فی تفسیر القرآن*، دار احیا التراث العربی، بیروت، بی تا.
- _____، *تهذیب الاحکام*، دارالکتب الاسلامیه، خورشید، ۱۳۶۵.
- طهرانی، سید محمد حسین، *رساله حول مساله رویه الهلال*، در مجموعه رویت هلال گردآورنده رضا مختاری و محمد رضا نعمتی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵.
- علامه حلّی، حسن بن یوسف، *تذکره الفقهاء*، المکتبه المرتضویه، بی تا.
- _____، *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- کلینی، محمدبن یعقوب، *الکافی*، بیروت، دارالضواء، ۱۴۱۳ ق.
- گلپایگانی، سید محمد رضا، *مجمع المسائل*، دارالقرآن، قم، بی تا.
- مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، دارالرضا، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- محقق داماد، سید محمد، *اختلاف البلدان فی رویه الهلال*، تقریر عبدالله جوادی آملی، در مجموعه رویت هلال گردآورنده رضا مختاری و محمد رضا نعمتی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵.
- مختاری، رضا، *رویت هلال*، در مجموعه رویت هلال گردآورنده رضا مختاری و محسن نوروزی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۷.
- مدنی، *کفایه رویه الهلال فی البلاد البعیده*، در مجموعه رویت هلال گردآورنده رضا مختاری و محمد رضا نعمتی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵.
- مسلم بن حجاج، *الجامع الصحیح*، دارالفکر، بیروت، بی تا.
- منتظری، حسینعلی، *افق او الافاق*، در مجموعه رویت هلال گردآورنده رضا مختاری و محمد رضا نعمتی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵.

نجفی، محمد حسن، *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۴
هاشمی شاهرودی، سید محمود، *ثبوت الشهر برویه الهلال فی بلد آخر*، در مجموعه رویت هلال،
گردآورنده رضا مختاری و محمدرضا نعمتی، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵.